



پلاسکو در دهه ۴۰

نماد تجدد ایرانی چگونه فرو ریخت؟

پلاسکو در چند پرده

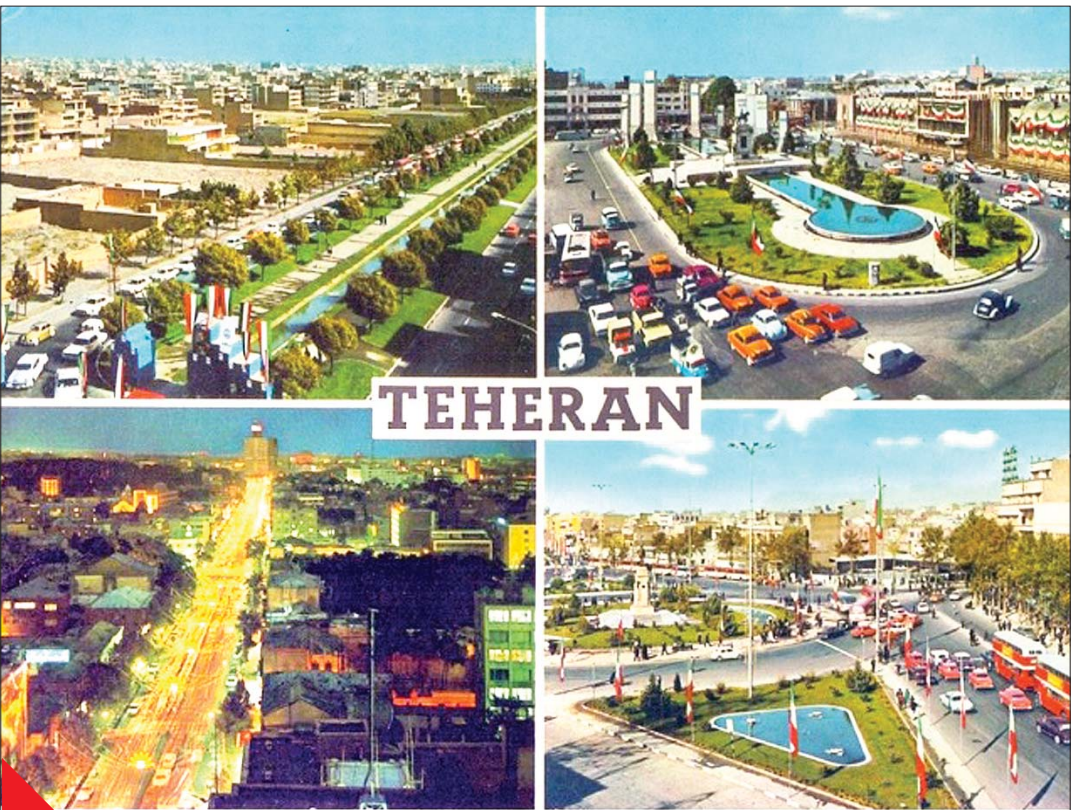
گروه هنر؛ پلاسکو، قبل از آن صبح دم ویرانگر، تجسم روح و آرزوهای دور و دراز تهران مدرن متقدم بود و تجسد فانتزی متروپولیس شرقی. ساختمان «پلاسکو» در کارت‌پستال‌های دهه ۴۰ «نماده بود؛ یکی از نمادهای تهران مدرن، مکانی برای سیاحت و تجارت؛ برجی مرتفع که جذابیّتش فقط چشمان نگران و جست‌وجوگر مسافران شهرستانی پرتاب‌شده به تهران را خیره نمی‌کرد. پلاسکو، برای تهرانی‌ها هم جذاب بود و رازورزی‌های شبانه با آن، زیانزد همگان. باین‌حال پلاسکو و دیگر ساختمان‌های بلندمرتبه، سازنده تهران ایده‌آل نبودند؛ در پس ساختن این سازه‌ها، آینده‌ای تیره و دیستوپیایی نهفته بود؛ این سازه‌ها در واقعیت امر به روح معماری «قاجار– پهلوی» تهران قدیم خیانت کردند. پلاسکوی ۱۷ طبقه، ساختمان آلومینیوم ۱۳ طبقه در خیابان جمهوری و ساختمان ۱۹ طبقه «بانک کار» در خیابان حافظ، به‌عنوان نمادهای ارتفاع و تجدد در تهران دهه ۴۰، فاقد هرگونه ارزش معمارانه بودند. پلاسکو در بین آنها برای خود ماجرای داشت. سال ۱۳۴۱ در ۱۷ طبقه به‌عنوان بلندترین آسمان‌خراش خاورمیانه ساخته شد؛ با طراحی مهندسان معمار کلبی (احتمالاً آلمانی) و سرمایه‌گذاری حبیب القانیان در تقاطع استانبول، چهارراه معماری و سیاست و هنر. سال‌های زیادی نگذشت که پلاسکو، تکثیر شد. برج‌های بی‌سروسامان تهران امروز را می‌توان نوادگان پلاسکو دانست. جریان بلندمرتبه‌سازی که در دهه ۴۰ از تهران آغاز شد، در دهه ۵۰ سرعت بیشتری گرفت و به شهرستان‌ها هم سرایت کرد. مجموعه سه بلوک برج «اسکان» در ۲۸ طبقه (۵۶–۱۳۵۲)، برج‌های سه‌گانه «آ اس پ» در ۲۶ طبقه، پارک دوبرنسر (۵۷–۱۳۵۳) در ۲۵ طبقه و برج‌های «ونک‌پارک» در ۲۰ طبقه از مهم‌ترین سازه‌های مرتفع تهران دهه ۵۰ هستند. پلاسکو سال‌ها پیش از ویرانی در صبحگاه ۳۰ بهمن، خود شاهد ویرانی دو ساختمان دیگر بود. سینما برلیان و هتل پالاس دو سازه قاجار– پهلوی بودند که پیمانه عمرشان با آمدن پلاسکو به پایان رسید. این دو ساختمان خراب شدند تا پلاسکو جایگزین آنها شود. شکل‌گیری سازه‌های بلندمرتبه در تهران دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و خصوصاً دهه ۴۰ برآمده از حس بدگمانی شاه به دولتمردان پدرش بود. پلاسکو، آلومینیوم و امثال آنها حاصل پارانوای شاهی هستند که در پی ویران‌کردن هرآنچه است که از گذشته نه‌چندان دور به ارث رسیده بود. پس از آن ورود آمریکایی‌ها و اصلاحات ارضی مقدمات بلندمرتبه‌سازی را در تهران فراهم کرد.

در ضلع جنوبی خیابان استانبول از جانب خیابان جمهوری، ساختمان سفارت ترکیه قرار دارد و شاهکار معماری است. سینما مایاک در ابتدای لاله‌زار از دیگر بناهای ارزشمند سبک قاجار – پهلوی بود که خراب شد. بلندمرتبه‌سازی در تهران در واقعیت امر، سمینوم رشد اقتصادی تهران بود که در سال ۱۳۴۲ آغاز شد و تا حدود یک دهه بعد ادامه داشت. تهران اروپایی پهلوی اول با معماری «قاجار– پهلوی» به تهران آمریکایی استحاله یافت و این شهر به سمت آن رفت تا نسخه دست‌چندم لس‌آنجلس شود. درباره پهلوی در همان سال‌ها از یک معمار آمریکایی– اتریشی یهودی‌تبار، به نام «ویکتور گروئن» (Victor Gruen) دعوت کرد تا نقشه‌های جامع شهری، محل سکونت و اشتغال تهران، «منطقه‌بندی» شود. ویکتور گروئن این مأموریت را با همکاری «عبدالعزیز فرمانفرما» انجام داد. به‌این‌ترتیب در سال ۱۳۴۵، «عبدالعزیز فرمانفرما» و «ویکتور گروئن» نخستین طرح جامع تهران را تهیه کردند؛ طرح جامعی که فاقد هرگونه آینده‌نگری بود. پس از آن و در سال‌های دهه ۵۰، ولع بلندمرتبه‌سازی ادامه یافت.

هنر و معماری



ماکت پلاسکو قبل از ساخت / عکس‌ها: آرشیو ایرنا



پیکر از کارهایتهای تهران در دهه ۴۰، پلاسکو یکی از جاذبه‌های آن زمان تهران بود

تماشاخانه

نمایش خیابانی «U-Turn» در جشنواره تئاتر فجر

شرق؛ نمایش «U-Turn» – بازگشت– به کارگردانی داریوش نصیری با استناد به آیاتی از چهار سوره قرآن کریم در سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اجرا می‌شود. نمایش «U-Turn» یا «بازگشت» با طراحی، نویسندگی و کارگردانی داریوش نصیری در روزهای ۱۰۹ و ۱۱ بهمن، ساعت ۱۶:۳۰ در بخش آثار خیابانی سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اجرا خواهد شد. داریوش نصیری با اشاره به استفاده از چهار سوره قرآن کریم در مضمون نمایش خود بیان می‌دارد: «نمایش U-turn با اشاره به آیه ۱۵۲ سوره مبارکه بقره، آیات ۹۹ و صد سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۲۳ سوره مبارکه اسرا و آیه ۳۵ سوره مبارکه انبیاء نوشته شده است». این بازیگر و کارگردان تئاتر اضافه می‌کند: «نمایش بازگشت در ستایش عشق و مهربانی به والدین و هم‌نوع است و یادآوری می‌کند که انسان عمر دوباره ندارد و تنها یک‌بار زندگی می‌کند و هیچ بازگشتی برای هیچ‌کس وجود ندارد. پس تا می‌توان مهر و نیکی پیشه کند و همواره به یاد خداوند بزرگ و مهربان باشد»، در نمایش «U-Turn»، داریوش نصیری، علی فتحی، حشمت‌الله زارعی، امیرعلی زیارتی، سهیل مینایی، حسام بوزبور، سیدرضا حسینی، حسین زهری، علی سوهانی، حمیدرضا تسلیخ، اشکان پام، حسن نشاطی، مبین پیشداد، محمدعلی نجفی‌پور، فرشاد فرهادپور، امیرعلی پریز، حجت بیات، امیرارسلان خالویی و کوروش قدرتی ایفای نقش خواهند کرد. آخرین اجرای نصیری، نمایش «نام من ایران» در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر هابیفست در ارمنستان (اکتبر ۲۰۱۵) بوده است، «U-Turn» را در روزهای ۹ و ۱۱ بهمن ساعت ۱۶:۳۰ در محوطه تئاتر شهر و همچنین روز یکشنبه، ۱۰ بهمن مقابل خانه هنرمندان ببینید.

پس از اجرا در بندرعباس و شهرکرد پشت‌کوهی «مکبث زار» را به آلمان می‌برد

شرق؛ نمایش «مکبث زار» با نام کامل «تنها سگ اولی می‌داند چرا پارس می‌کند مکبث»، به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی پس از چهار اجرا در بندرعباس و شهرکرد، در شهر مونیخ آلمان روی صحنه خواهد رفت. نمایش «مکبث زار» یا «تنها سگ اولی می‌داند چرا پارس می‌کند مکبث»، به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی، روزهای چهارم و پنجم بهمن در پلانزو آفتاب بندرعباس با دو اجرا میزبان تماشاگران خواهد بود و سپس برای اجرای همین نمایش راهی شهرکرد می‌شود. گروه اجرایی این نمایش پس از اجرا در دو شهر نام‌برده، برای اجرا در شهر مونیخ آلمان به این کشور پرواز می‌کند.«مکبث زار» که برای اجرا در جشنواره مونیخ به کشور آلمان دعوت شده، پیش از این نیز در جشنواره‌های جهانی حضور موفق و درخشانی داشته است. همچنین ابراهیم پشت‌کوهی با همین نمایش، در سی‌وپنجمین جشنواره تئاتر فجر در شهرهای یزد و آمل روی صحنه رفت که با استقبال بی‌نظیر تماشاگران روبه‌رو شد.در این نمایش محمد سایانی، داوود اسلامی، بهروز عباسی، حسین اصیلی، بهنام پانیزه، الهام اسکندری، سارا شاهی و بهرنگ عباس‌پور بازی دارند. دیگر عوامل این اجرا عبارتند از: سیما کهنمویی (دستیار کارگردان)، ام. جی. جایاش (منشی صحنه)، ابراهیم پشت‌کوهی (طراح صحنه)، فاطیما پشت‌کوهی (طراح لباس)، بهرننگ عباس‌پور و عماد زارعی (موسیقی)، بودا عباس‌نیا (طراح پوستر و عکاس) و احمدرضا حجاززاده (مشاور امور رسانه و روابط‌عمومی).

ادامه از صفحه ۱۰

۱۱ هنرمند که هنر ۲۰۱۷ را دگرگون می‌کنند

۴- لیگیایپ
این هنرمند برزیلی که ابتدا تحت‌تأثیر نقاشی‌های انتزاعی هندسی دهه ۱۹۵۰ بود، دست‌آخر از سفت‌وسختی این سبک خسته شد. در سال ۱۹۵۹ او در کنار هنرمندانی چون لیگیا کلارک و هلیو اوتیسیکا، از بنیان‌گذاران جنبش نئو- کانکریت شد؛ گروهی که تلاش داشتند هنر را وارد صحنه زندگی روزمره کنند.

پیپ نه‌تنها هنر خود را از دسته‌بندی‌های تعیین‌شده رها کرد، بلکه تلاش کرد نوعی بیانگری شتاب‌زده را به هنر انتزاعی پس از جنگ تزریق کند که در مدل اروپایی و آمریکایی این سبک وجود نداشت. تلاش او برای گسترش ژنو- پلیتیک هنر در نخستین نمایشگاه تک‌نگاری‌اش در آمریکا در مرکز Met Breuer در ۲۰۱۷ برگزار خواهد شد.

۵- جیمی دورام

سال‌ها پیش از آنکه تانیا بروگرا خود را هنرمند-کنشگر بنامد، جیمی دورام خوب می‌دانست که هنر می‌تواند کنشگری باشد و برعکس. او که یک فعال سیاسی در جنبش دهه ۱۹۷۰ سرخ‌پوستان آمریکا بود، در سال ۱۹۸۷ راهی تبعید خودخواسته به مکزیک شد و در ۱۹۹۴ به اروپا رفت. در هر دو جا آثار او که ترکیبی است از چیزهایی که پیدا کرده یا ساخته است، با نوشته‌هایی که تعصب‌های غربی را برملا می‌کنند بسیار تأثیرگذار بودند. امسال آثار انتقادی دورام با عنوانی زیرکانه در قالب «مرور یک سفر در موزه، به خانه بازمی‌گردد: «جیمی دورام: در مرکز جهان». موزه هم Hammer در لس‌آنجلس از ۲۹ ژانویه تا هفتم می میزبان این نمایش خواهد بود و مرکز واکرارت در مینیاپولیس از ۲۲ ژوئن تا هشتم اکتبر و موزه ویتنی نیویورک از سوم نوامبر تا ۲۸ ژانویه ۲۰۱۸ آن را نمایش خواهند داد.

۶- لیت‌یادوم- بواکبه

این هنرمند که فینالیست جایزه ترنر ۲۰۱۳ بود، یکی از بهترین نقاشان زمانه خود است. نقاشی‌های او بسیاری از عناصر پرتره‌های اروپایی را دارند، اما او این سنت را با استفاده از سوزنه‌هایی که هم تخیلی هستند و هم سیاه‌پوست، دگرگون کرده است. شاید اگر ولاژسک، مانه و دگا می‌خواستند در زمانه پس از اوپاما تصویری بیافرینند، به نقاشی‌های او می‌رسیدند. نقاشی‌های یادوم- بواکه را پرتره تصور ما از پرتره خوانده‌اند. درست مانند هنرمند پیش از خود، کری جیمز مارشال، او نیز می‌خواهد مجموعه‌ای از جهانی از سیاهان نقاشی کند که پیش از آن وجود نداشته است. یک مجموعه به‌روز از آثار او در ۲۴ آوریل در New Museum به نمایش درخواهد آمد.

۷-رابرت راشنبرگ

رابرت راشنبرگ- استاد گوناگونی در همکاری‌های هنری و پیش‌کسوت استفاده از متریال‌های غیرمعمول، به آوردن زندگی روزمره در هنرش شهرت دارد. راشنبرگ با همکاری با هنرمندان، موسیقی‌دانان و نویسندگان و گاه خود به‌تنباهی روش‌های هنرآفرینی جدیدی را خلق کرد که او را به مرجعی جاودان برای هنر معاصر تبدیل کرد.

از دوم آوریل، موزه تیت مدرن شهر لندن میزبان یک رتروسپکتیو قرن بیست‌ویکی‌ام از این هنرمند خواهد بود. در این مجموعه ۲۵۰ نقاشی، مجسمه، طراحی، چاپ، عکس، صدا و ویدئوی ضبط‌شده از او گردآوری شده است. این نمایشگاه در اواخر ماه می به موزه MOMA در نیویورک سفر خواهد کرد.

۸-تصرف‌موزه‌ها

اگر نگاهی به فهرست هنرمندان شرکت‌کننده در دوسالانه ویتنی امسال ببیندازیم، می‌بینیم شمار اندکی از آنها خود را وقف نمایان‌کردن ابعاد سیاسی هنر کرده‌اند. در میان این عده کم، «تصرف موزه‌ها» قرار دارد؛ گروهی که مستقیماً از دل جنبش «تصرف وال‌استریت» سر بیرون آورد. از سال ۲۰۱۱ این گروه همواره توجه خود را به رابطه خصمانه میان هنر و سرمایه داده است. تمرکز کنونی «تصرف موزه‌ها» روی موضوعی است که اعضای گروه آن را «بدهی صنعت سایه، می‌نامند که هنرمندان و افسراد دیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بی‌نیایی که در راه است و ۱۷ مارس آغاز می‌شود، جدیدترین مکان برای آنها می‌شود تا به گفته خود «فضا را برای رساندن فرهنگ واقعی به ۹۹درصد افراد مهیا کنند».

۹- هنری تیلور

هدف دوسالانه ویتنی امسال این است که هم نگاهی به درون (به چگونگی پیدایش هویت) داشته باشد و هم به بیرون (به جایگاه هر فرد در جامعه‌ای متلاطم) بنگرد. این‌روز نقاش ساکن لس‌آنجلس، هنری تیلور، بهترین نماینده این کیفیت‌هاست. یکی از نقاشی‌های او که پرتره‌ای از هیوی بی، نیوتن بود، در سال ۲۰۱۶ دوسالانه پرتره ویتنی را به لره درآورد. می‌توان کارهای تیلور را با واژه «تضاد» مانند تضاد میان افراط و سادگی توصیف کرد. نقاشی‌های او که فیگوراتیو و بیان‌گرا با جاشنی پاپ است، پر از تنش‌های نژادی است و حرف‌هایی درباره نقاشی، سیاست، تاریخ و شرایط انسانی دارد. اگر جنبش «جان سیاه‌پوستان ارزش دارد» می‌خواست در میان اعضایش یک نقاش داشته باشد، قطعاً آن هنرمند، تیلور می‌بود.

۱۰-کارولین وولارد

وولارد که یک برنامه‌ریز هنرمند و کنشگر اجتماعی است کسی است که انجمن آموزش ملی آمریکا در آخر ۲۰۱۶ در میان همه افراد او را برای سخنرانی مهم پس از انتخابات برگزید. دیگر واژه‌هایی که می‌توان برای توصیف او به کار برد، نویسنده، سخنران و اندیشمند است. به‌رحال هر کلمه‌ای که درباره وولارد به کار ببریم، او بی‌شک یکی از صداهای جذاب نوین است که قصد دارد خلایقیت را به بیرون از محدودیت‌هایی هدایت کند که بازار بر آن تحمیل کرده است. او چه درباره معامله املاک صحبت کند (شرکت معاملات املاک او در نیویورک مشغول کار است) و چه درباره سیستم‌های تجرّبی کمک همگانی حرف بزند (رویداد «کافه معاوضه» در MOMA 2013)، مرزهای میان آفریدن یک شی، پرفورمنس تشکیل یک انجمن و کنشگری سیاسی را می‌شکند. در میان همه رویدادها او قرار است که اول مارس در آکادمی هنر نیویورک سخنرانی کند.

۱۱-هلیو اوتیسیکا

او نه‌تنها به‌وجودآورنده عبارت ترئوپیکاسم (از جنبش‌های هنری برزیل) بود، بلکه مرزهای سنتی هنر را در وطنش، برزیل، عقب راند و از پدیده هنر جهانی برای کنشگری اجتماعی و خلق چیدمان‌های معلق بزرگ استفاده کرد. اوتیسیکا دوران شکل‌گیری خود را در دهه ۱۹۷۰ در نیویورک گذراند؛ شهری که با فضا و شهروندانش آشنا شد و در آنجا کارش را به فیلم‌سازی، تهیه اسلاید از محیط زیست و شعر دیداری گسترش داد. این هنرمند برزیلی که در سال ۱۹۸۰ درگذشت، حالا با نمایشگاهی بازگشته است که ادعا دارد نخستین رتروسپکتیو تمام‌عیار از اوست که تا‌به‌حال در آمریکا برگزار شده است: «هلیو اوتیسیکا: سامان‌دهی دیوانگی». این نمایشگاه ابتدا از دوم ژانویه تا آخر ماه در موزه هنرهای کارنگی خواهد بود و سپس مرکز هنرهای شیکاگو از ۱۸ فوریه تا هفتم می میزبان آن است و بعد از آن در نیابستان به موزه ویتنی سفر می‌کند و از ۱۴ جولای تا اول اکتبر آنجا خواهد ماند.



مقایسه ساختمان‌های قاجار – پهلوی با پلاسکو. ظرف تفرات معماری قاجار – پهلوی که بالایش یادآور تخت‌جمشید و هخامنشی بود (پهلوی) و پایینش کانشیکاری و آرگ دوره معماری قاجار و در پشت، ساختمان پلاسکو؛ فاقد هرگونه هویت. این عکس‌ها را کامران عدل در سال ۱۳۶۳ گرفته است.



موقعیت ساختمان پلاسکو، در مقام مقایسه با معماری قاجار– پهلوی. ساختمان جلو مال شکلات فروشی «آیتا»، بود که خام‌های اشرافی دهه‌های ۲۰ تا ۵۰، جلو آن صف می‌کشیدند. عکس را کامران عدل در سال ۱۳۶۳ گرفته است و برای اولین‌بار است که دیده می‌شوند.